



Research Article

Volume-05|Issue-01|2025

امنیتی سازی هویت دینی مهاجران مسلمان در پرتغال

Subhanullah Subhani

Research Scholar, Department of International Relations, Kharazmi University, Tehran, Iran & Professor, University of Afghanistan, Takhar, Afghanistan. <https://orcid.org/0009-0004-9217-9139> Email: subhanullahsubhani@khu.ac.ir

Article History

Received: 01.01.2025

Accepted: 20.01.2025

Published: 24.01.2025

Citation

Subhani, S. (2025). *امنیتی سازی هویت دینی مهاجران مسلمان در پرتغال*. *Indiana Journal of Multidisciplinary Research*, 5(1), 9-16.

Abstract:

مقاله حاضر به بررسی فرایند امنیتی سازی هویت دینی مهاجران مسلمان در پرتغال می پردازد، با استفاده از چارچوب نظری مکتب کپنهاگ و نظریه امنیتی سازی، این پژوهش به تحلیل چگونگی تبدیل هویت دینی مسلمانان به یک مسأله امنیتی توسط گفتمان ها، سیاست ها و اقدامات مختلف در این کشور را واکاوی می کند، پژوهش حاضر بدنبال پاسخ این سوال است که چگونه و تحت چه شرایطی هویت دینی مهاجران مسلمان در پرتغال امنیتی سازی شده و این روند چه تأثیری بر وضعیت اجتماعی، حقوقی و فرهنگی آنان داشته است؟ امنیتی سازی هویت دینی مهاجران مسلمان در پرتغال عمدتاً تحت تأثیر افزایش گفتمان های اسلام هراسی، سیاست های مهاجرتی سخت گیرانه و برجسته سازی تهدیدات امنیتی در اروپا صورت گرفته است. این روند منجر به محدودیت در حقوق شهروندی، افزایش تبعیض های اجتماعی و چالش های هویتی برای مهاجران مسلمان شده است، یافته های این پژوهش نشان می دهند که عواملی نظیر افزایش مهاجرت، رشد گفتمان های اسلام هراسی و برجسته سازی برخی حوادث امنیتی در اروپا، نقش کلیدی در شکل گیری این روند داشته اند، هم چنان امنیتی سازی هویت دینی می تواند منجر به تبعیض اجتماعی، محدودیت های حقوق شهروندی و چالش های هویتی شود، به همان صورت عواملی مانند افزایش مهاجرت از کشورهای مسلمان، رشد گفتمان های اسلام هراسی در رسانه ها و تأثیر حوادث امنیتی در سطح اروپا، در پدید آمدن این وضعیت تأثیرگذار بوده اند، این مقاله همچنین به تأثیرات امنیتی سازی بر زندگی روزمره، حقوق شهروندی و هویت فرهنگی مهاجران مسلمان در پرتغال بررسی می کند.

مقاله حاضر به بررسی فرایند امنیتی سازی هویت دینی مهاجران مسلمان در پرتغال می پردازد، با استفاده از چارچوب نظری مکتب کپنهاگ و نظریه امنیتی سازی، این پژوهش به تحلیل چگونگی تبدیل هویت دینی مسلمانان به یک مسأله امنیتی توسط گفتمان ها، سیاست ها و اقدامات مختلف در این کشور را واکاوی می کند، پژوهش حاضر بدنبال پاسخ این سوال است که چگونه و تحت چه شرایطی هویت دینی مهاجران مسلمان در پرتغال امنیتی سازی شده و این روند چه تأثیری بر وضعیت اجتماعی، حقوقی و فرهنگی آنان داشته است؟ امنیتی سازی هویت دینی مهاجران مسلمان در پرتغال عمدتاً تحت تأثیر افزایش گفتمان های اسلام هراسی، سیاست های مهاجرتی سخت گیرانه و برجسته سازی تهدیدات امنیتی در اروپا صورت گرفته است. این روند منجر به محدودیت در حقوق شهروندی، افزایش تبعیض های اجتماعی و چالش های هویتی برای مهاجران مسلمان شده است، یافته های این پژوهش نشان می دهند که عواملی نظیر افزایش مهاجرت، رشد گفتمان های اسلام هراسی و برجسته سازی برخی حوادث امنیتی در اروپا، نقش کلیدی در شکل گیری این روند داشته اند، هم چنان امنیتی سازی هویت دینی می تواند منجر به تبعیض اجتماعی، محدودیت های حقوق شهروندی و چالش های هویتی شود، به همان صورت عواملی مانند افزایش مهاجرت از کشورهای مسلمان، رشد گفتمان های اسلام هراسی در رسانه ها و تأثیر حوادث امنیتی در سطح اروپا، در پدید آمدن این وضعیت تأثیرگذار بوده اند، این مقاله همچنین به تأثیرات امنیتی سازی بر زندگی روزمره، حقوق شهروندی و هویت فرهنگی مهاجران مسلمان در پرتغال بررسی می کند.

Keywords:

امنیتی سازی، مهاجران مسلمان، هویت دینی، اسلام هراسی، پرتغال، مکتب کپنهاگ

Copyright © 2025 The Author(s): This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY-NC 4.0).

INTRODUCTION

در دهه های اخیر، اروپا با موج های گسترده ای از مهاجرت مواجه بوده که منجر به تنوع فرهنگی و دینی در این قاره شده است، در این میان مهاجران مسلمان به یکی از برجسته ترین گروه های مهاجر تبدیل شده اند که حضور آنها گفتمان های مختلفی را در زمینه هویت، همزیستی اجتماعی و امنیت شکل داده است. کشورهای اروپایی، به ویژه آنهایی که با حوادث تروریستی یا افزایش مهاجرت روبه رو شده اند، با چالش هایی در خصوص تعریف رابطه میان مسلمانان و جوامع میزبان مواجه بوده اند. در این زمینه، مفهوم امنیتی سازی (securitization)، که توسط مکتب کپنهاگ معرفی شده است، ابزار تحلیلی مفیدی برای بررسی چگونگی تبدیل هویت دینی به یک موضوع امنیتی ارائه می دهد. این نظریه توضیح می دهد که امنیتی سازی فرایندی است که طی آن بازیگران سیاسی و اجتماعی مسائل خاصی را به عنوان تهدیدی وجودی معرفی می کنند و این مسائل را از حوزه سیاست عادی به حوزه امنیت انتقال می دهند (Buzan, 1998).

پرتغال اگرچه به دلیل جمعیت مسلمان کوچک تر و تاریخچه ای متفاوت با کشورهای فرانسه و آلمان، کمتر در معرض اسلام هراسی بوده است، اما از تأثیر گفتمان های منطقه ای و جهانی مصون نبوده است، رسانه های جمعی، سیاستمداران و گفتمان های عمومی در پرتغال، گاه وبیگاه هویت دینی مسلمانان را با مسائلی مانند افراط گرایی و تهدیدات امنیتی مرتبط کرده اند، این در حالی است که پرتغال به طور سنتی به عنوان کشوری با سیاست های مهاجرتی معتدل و نسبتاً دوستانه شناخته می شود (Pires, 2019).

افزایش مهاجرت و موج های اخیر اسلام هراسی در اروپا زمینه ساز تغییراتی در رویکردهای پرتغال نسبت به مهاجران مسلمان شده است، این تغییرات شامل بازنمایی منفی مسلمانان در رسانه ها، محدودیت های اجتماعی و در برخی موارد، وضع قوانین سخت گیرانه تر مهاجرتی است. این پژوهش تلاش می کند تا با استفاده از چارچوب نظری مکتب کپنهاگ، به تحلیل امنیتی سازی هویت دینی مهاجران مسلمان در پرتغال بپردازد و اثرات این روند بر وضعیت اجتماعی، فرهنگی و حقوقی آنان را مورد بررسی قرار دهد، بر اساس ادبیات موجود، امنیتی سازی نه تنها هویت دینی را به تهدیدی برای امنیت ملی تبدیل

می‌کند، بلکه پیامدهای گسترده‌ای برای حقوق شهروندی و همزیستی مسالمت‌آمیز در جوامع چندفرهنگی دارد. برای مثال، (Cesari, 2013)، در مطالعات خود نشان می‌دهد که اسلام‌هراسی و امنیتی‌سازی هویت مسلمانان در جوامع اروپایی منجر به ایجاد شکاف‌های اجتماعی و افزایش تبعیض شده است، این مسئله می‌تواند در بلندمدت به تضعیف یکپارچگی اجتماعی و افزایش تنش‌های فرهنگی منجر شود.

پژوهش حاضر درصدد است تا با تمرکز بر پرتغال، یکی از کشورهای کمتر مطالعه‌شده در این زمینه، به بررسی این پرسش بپردازد که چگونه و تحت چه شرایطی هویت دینی مهاجران مسلمان در پرتغال امنیتی‌سازی شده و این روند چه تأثیری بر وضعیت اجتماعی، حقوقی و فرهنگی آنان داشته است؟ فرضیه پژوهش چنین است که، امنیتی‌سازی هویت دینی مهاجران مسلمان در پرتغال عمدتاً تحت تأثیر افزایش گفت‌وگوهای اسلام‌هراسی، سیاست‌های مهاجرتی سخت‌گیرانه و برجسته‌سازی تهدیدات امنیتی در اروپا صورت گرفته است، این روند منجر به محدودیت در حقوق شهروندی، افزایش تبعیض‌های اجتماعی و چالش‌های هویتی برای مهاجران مسلمان شده است.

2- چارچوب نظری

برای بررسی موضوع "امنیتی‌سازی هویت دینی مهاجران مسلمان در پرتغال"، چارچوب نظری این پژوهش از ترکیب نظریه امنیتی‌سازی مکتب کپنهاگ با مفاهیمی از مطالعات فرهنگی و هویتی بهره می‌گیرد، این چارچوب به ما امکان می‌دهد تا فرایند امنیتی‌سازی، بازیگران اصلی و تأثیرات این روند را بر جامعه پرتغال و مهاجران مسلمان تحلیل کنیم، نظریه امنیتی‌سازی بخشی از مکتب کپنهاگ در مطالعات امنیت بین‌الملل است و توسط پژوهشگران برجسته‌ای مانند (Jaap de Wilde, Ole Wæver, and Barry Buzan)، در کتاب، A New Framework for Analysis Security, 1988، معرفی شد این نظریه با ارائه رویکردی متفاوت از نظریه‌های سنتی امنیت، به جای تمرکز صرف بر تهدیدات نظامی، به فرایندهای اجتماعی و گفتمانی که موضوعی را به یک مسئله امنیتی تبدیل می‌کنند، توجه دارد. امنیتی‌سازی به معنای فرایندی گفتمانی است که طی آن یک بازیگر مانند دولت، سیاستمداران یا رسانه‌ها، موضوعی خاص را به عنوان یک تهدید وجودی برای بقای جامعه یا کشور معرفی می‌کند، این اقدام با هدف انتقال موضوع از حوزه سیاست عادی به حوزه امنیت صورت می‌گیرد، که در آن اقدامات فوق‌العاده و فراتر از هنجارهای عادی توجیه می‌شوند.

اجزای اصلی نظریه امنیتی‌سازی، بازیگر امنیتی (Securitizing Actor)، فرد یا نهادی که موضوعی را به عنوان تهدید امنیتی معرفی می‌کند. این بازیگران می‌توانند دولت‌ها، رسانه‌ها، احزاب سیاسی یا حتی سازمان‌های غیردولتی باشند. موضوع امنیتی (Referent Object)، چیزی که به عنوان هدف یا قربانی تهدید معرفی می‌شود، مانند دولت، ملت، هویت فرهنگی، محیط زیست یا اقتصاد، فرایند گفتمان (Speech Act)، امنیتی‌سازی به واسطه گفتمان رخ می‌دهد؛ به این معنا که بازیگر امنیتی با استفاده از زبان و استدلال، تلاش می‌کند مخاطبان را متقاعد کند که یک موضوع تهدیدی جدی است. پذیرش مخاطب (Audience Acceptance)، امنیتی‌سازی تنها زمانی کامل می‌شود که مخاطبان (مانند شهروندان یا نهادهای تصمیم‌گیرنده) تهدید مورد نظر را به رسمیت بشناسند.

مطالعات هویتی و فرهنگی، برای تحلیل دقیق‌تر امنیتی‌سازی هویت دینی، از مفاهیم مطالعات فرهنگی و هویتی استفاده می‌شود، هویت دینی، هویت دینی مسلمانان به عنوان بخشی از هویت جمعی آنها در تضاد با ارزش‌های سکولار پرتغال و اروپا معرفی می‌شود، دیگری‌سازی (Othering)، مهاجران مسلمان به عنوان "دیگری" که با جامعه میزبان سازگار نیستند، تصویر می‌شوند. این فرایند می‌تواند منجر به تقویت اسلام‌هراسی شود، تضاد ارزش‌ها، ارزش‌های سنتی مسلمانان در پرتغال به عنوان ناسازگار با فرهنگ و قوانین سکولار این کشور معرفی می‌شوند.

ترکیب نظریه امنیتی‌سازی با مفاهیم هویتی و فرهنگی، چارچوبی جامع برای تحلیل امنیتی‌سازی هویت دینی مهاجران مسلمان در پرتغال ارائه می‌دهد. این چارچوب امکان درک دقیق‌تر از فرایندها، بازیگران و پیامدهای امنیتی‌سازی را فراهم می‌کند و ابزارهایی برای ارائه راهکارهای سیاستی در جهت کاهش اثرات منفی این روند ارائه می‌دهد.

3- پیشینه تاریخی و اجتماعی

پیشینه تاریخی و اجتماعی: امنیتی‌سازی هویت دینی مهاجران مسلمان در پرتغال
الف- دوران اندلس (711-1249 میلادی)، حضور مسلمانان در شبه‌جزیره ایبری به قرن هشتم میلادی بازمی‌گردد، زمانی که نیروهای اموی وارد منطقه شدند، بخش‌هایی از پرتغال کنونی، به‌ویژه در جنوب (الگارو)، بخشی از خلافت اندلس بود. مسلمانان طی این دوره به توسعه فرهنگی، علمی و اقتصادی منطقه کمک شایانی کردند. با این حال پس از آغاز "بازپس‌گیری مسیحی (Reconquista)"، پرتغال در سال 1249 میلادی تحت کنترل کامل مسیحیان درآمد و نفوذ اسلامی کاهش یافت، مسلمانان باقی‌مانده مجبور به تغییر دین یا ترک منطقه شدند (Pinto, 2011).

دوران استعمار، در دوره‌های استعمار، پرتغال در آفریقا، آسیا و خاورمیانه فعالیت‌های گسترده‌ای داشت و با جوامع مسلمان ارتباط پیدا کرد، اگرچه این تعاملات عمدتاً اقتصادی و تجاری بود، اما به نوعی آگاهی پرتغال نسبت به اسلام و مسلمانان کمک کرد (Marcocci, 2012)، مهاجرت‌های معاصر، مهاجرت مسلمانان به پرتغال عمدتاً از دهه 1970 و پس از استقلال مستعمرات آفریقایی پرتغال (مانند موزامبیک و گینه بیسائو) افزایش یافت. این مهاجران اغلب به دلیل روابط تاریخی و زبانی به پرتغال مهاجرت کردند. در دهه‌های بعد، مهاجرانی از شمال آفریقا، جنوب آسیا و خاورمیانه نیز وارد این کشور شدند، امروزه، مسلمانان پرتغال شامل گروه‌های متنوعی از نظر قومی و فرهنگی هستند، از جمله مهاجران مراکشی، پاکستانی و هندی (Tiesler, 2013).

ب- نحوه برخورد تاریخی پرتغال با تنوع دینی و فرهنگی، دوران قرون وسطی؛ پس از پایان کنترل اسلامی، پرتغال شاهد دوره‌ای از تلاش برای یکپارچگی دینی بود، طی قرون 15 و 16 میلادی، سیاست‌های سختگیرانه‌ای علیه مسلمانان و یهودیان اعمال شد، از جمله اجبار به تغییر دین یا تبعید. این سیاست‌ها بخشی از روند تثبیت هویت ملی مسیحی پرتغال بودند (Saraiva, 2011). دوران مدرن؛ در قرن بیستم، پرتغال تحت رژیم سالازار (1932-1975)، سیاست‌های محافظه‌کارانه‌ای در قبال تنوع دینی و فرهنگی داشت، با این حال پس از انقلاب گل میخک در 1974 و پیوستن به اتحادیه اروپا در 1986، پرتغال به سمت جامعه‌ای بازتر و چندفرهنگی حرکت کرد، این تغییرات به مهاجران مسلمان امکان داد تا جوامع خود را در پرتغال توسعه دهند (Silva, 2014). برخورد با اسلام‌هراسی؛ اگرچه پرتغال در مقایسه با دیگر کشورهای اروپایی مانند فرانسه یا آلمان سطح پایین‌تری از اسلام‌هراسی را تجربه کرده، اما گفتمان‌های اسلام‌هراسانه به‌ویژه پس از حملات تروریستی در اروپا افزایش یافته است، رسانه‌ها و برخی گروه‌های سیاسی این گفتمان‌ها را تقویت کرده‌اند (Vidigal, 2018).

ج- سیاست‌های مهاجرتی و تغییرات آن در پرتغال؛ دوران قبل از انقلاب (دوران پیش از 1974)؛ پرتغال در دوران رژیم سالازار سیاست‌های مهاجرتی محدودکننده‌ای داشت، این سیاست‌ها عمدتاً در راستای حفظ نیروی کار داخلی و هویت ملی مسیحی طراحی شده بودند. دوران پس از انقلاب؛ پس از انقلاب گل میخک و استقلال مستعمرات، پرتغال با موج جدیدی از مهاجرت روبه‌رو شد، سیاست‌های مهاجرتی در این دوره تمرکز بر ادغام مهاجران آفریقایی و حمایت از پناهندگان داشت (Pires, 2003). دهه‌های اخیر: با افزایش مهاجرت‌های بین‌المللی و عضویت پرتغال در اتحادیه اروپا، سیاست‌های مهاجرتی این کشور تغییرات مهمی را تجربه کرده‌اند؛ دهه 1990، معرفی سیاست‌های جدید برای جذب مهاجران کاری، به‌ویژه از مستعمرات سابق. دهه 2000، تصویب قوانین جدید مهاجرتی در راستای سازگاری با استانداردهای اتحادیه اروپا. بحران‌های اخیر، با وقوع بحران مهاجرت در اروپا (2015-2016)، پرتغال سیاست‌های انسانی‌تری را در مقایسه با بسیاری از کشورهای اروپایی اتخاذ کرد و به‌عنوان یک کشور مقصد برای پناهیجویان شناخته شد. با این حال، این سیاست‌ها با چالش‌هایی از جمله افزایش گفتمان‌های اسلام‌هراسانه و نگرانی‌های امنیتی همراه بوده‌اند (Fonseca & McGarrigle, 2019). پرتغال دارای پیشینه تاریخی پیچیده‌ای در برخورد با اسلام و تنوع دینی است، از دوران شکوفایی تمدن اسلامی در اندلس تا مهاجرت‌های معاصر، این کشور تغییرات بسیاری را در سیاست‌ها و گفتمان‌های خود تجربه کرده است. امروزه، مهاجران مسلمان بخشی از جامعه پرتغال را تشکیل می‌دهند، اما امنیتی‌سازی هویت دینی آنها تحت تأثیر گفتمان‌های سیاسی، رسانه‌ای و بین‌المللی به چالشی مهم تبدیل شده است، بررسی این تاریخچه به ما کمک می‌کند تا زمینه‌های اجتماعی و تاریخی این امنیتی‌سازی را بهتر درک کنیم.

4- عوامل کلیدی در امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان در پرتغال

فرایند امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان در پرتغال تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد که در سه سطح داخلی، منطقه‌ای، بین‌المللی قابل بررسی است، این عوامل با ایجاد گفتمان‌های تهدید، تقویت کلیشه‌های اسلام‌هراسانه و سیاست‌گذاری‌های خاص، به امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان کمک کرده‌اند.

4-1 عوامل داخلی

1-1 رشد جمعیت مسلمانان و مهاجرت‌های معاصر: یکی از عوامل کلیدی در امنیتی‌سازی، افزایش مهاجرت مسلمانان به پرتغال از دهه 1970 به بعد است، این مهاجرت‌ها عمدتاً از مستعمرات سابق پرتغال، مانند موزامبیک و گینه‌بیسائو، آغاز شد و با ورود مهاجرانی از مراکش، پاکستان و دیگر کشورهای اسلامی ادامه یافت. رشد جمعیت مسلمانان و گسترش جوامع اسلامی در پرتغال، نگرانی‌هایی درباره تغییرات هویتی و فرهنگی در جامعه میزبان ایجاد کرده است (Tiesler, 2013).

1-2 گفتمان‌های اسلام‌هراسی در سیاست و رسانه: رسانه‌های پرتغالی و احزاب راست‌گرای افراطی نقش مهمی در تولید گفتمان‌های اسلام‌هراسانه داشته‌اند، این گفتمان‌ها مسلمانان را به‌عنوان "دیگری خطرناک" معرفی کرده و هویت دینی آنها را به تهدیدی برای ارزش‌های سکولار و ملی پرتغال تبدیل کرده‌اند. این روند در پی حملات تروریستی در اروپا شدت بیشتری پیدا کرده است (Vidigal, 2018).

1-3 نظام سکولار پرتغال و تضاد ارزش‌ها: ساختار سکولار پرتغال و تلاش برای حفظ آن، هویت دینی مسلمانان را به چالشی برای ارزش‌های سکولار معرفی کرده است، به‌ویژه در مواردی که مسلمانان خواهان رعایت قوانین و ارزش‌های دینی خود هستند (مانند پوشش اسلامی)، این هویت به‌عنوان تهدیدی علیه نظم اجتماعی و سیاسی تلقی می‌شود (Cesari, 2013).

1-4 حادثه‌سازی و کلیشه‌سازی: برجسته‌سازی وقایع خاص، مانند موارد نادر از افراط‌گرایی یا درگیری‌های فرهنگی، توسط رسانه‌ها و نهادهای سیاسی به امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان کمک کرده است، این امر باعث تعمیم رفتار اقلیت‌های کوچک به کل جامعه مسلمانان می‌شود (Silva, 2014). حادثه‌سازی: این مفهوم اشاره به برجسته‌سازی موارد خاص و استثنایی از رفتارهایی دارد که ممکن است توسط افراد یا گروه‌هایی از یک اقلیت دینی یا فرهنگی انجام شده باشد. رسانه‌ها اغلب با تمرکز بر این حوادث، آن‌ها را فراتر از اهمیت واقعی‌شان بزرگنمایی می‌کنند و به‌گونه‌ای نشان می‌دهند که گویی این موارد نماد رفتار یا دیدگاه کل جامعه است. پس از حادثه‌سازی، فرایند کلیشه‌سازی آغاز می‌شود که در آن این موارد نادر به کل یک جامعه نسبت داده می‌شود. در این چارچوب، مسلمانان به‌عنوان یک گروه همگن و تهدیدآمیز به تصویر کشیده می‌شوند، به جای اینکه تنوع درونی این جامعه مورد توجه قرار گیرد. به گفته (Silva, 2014). این کلیشه‌ها به بازتولید تصورات نادرست درباره مسلمانان در گفتمان‌های عمومی و سیاست‌گذاری کمک می‌کند.

تعمیم رفتار اقلیت کوچک به کل جامعه مسلمانان: نهادهای سیاسی و رسانه‌ها اغلب از این کلیشه‌ها برای توجیه سیاست‌های سخت‌گیرانه علیه مهاجران یا مسلمانان استفاده می‌کنند. این اقدامات به تشدید احساس بیگانگی و تبعیض منجر می‌شود و در عین حال به روند امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان مشروعیت می‌بخشد. به‌طور مثال، رویدادهایی مانند حملات تروریستی توسط گروه‌های افراطی مسلمان به‌عنوان دلیلی برای سیاست‌های محدودکننده علیه کل جمعیت مسلمان استفاده شده است.

4-2 عوامل منطقه‌ای

عوامل منطقه‌ای اشاره به تأثیر سیاست‌ها، گفتمان‌ها و روندهای امنیتی گسترده‌تر در سطح منطقه‌ای دارد که می‌تواند بر سیاست‌ها و رفتارهای داخلی یک کشور تأثیر بگذارد. در اینجا، نقش اتحادیه اروپا و همبستگی پرتغال با کشورهای اروپایی توضیح داده شده است:

1-2 نفوذ گفتمان‌های امنیتی اتحادیه اروپا: پرتغال به‌عنوان عضو از اتحادیه اروپا تحت تأثیر سیاست‌ها و گفتمان‌های امنیتی این اتحادیه قرار دارد، پس از حملات تروریستی در اروپا (مانند حملات پاریس و بروکسل 2015-2016)، بسیاری از کشورها به تقویت سیاست‌های امنیتی و افزایش کنترل بر جوامع مسلمان روی آوردند. پرتغال نیز به دلیل عضویت در اتحادیه اروپا از این روند تأثیر پذیرفته است (Fonseca & McGarrigle, 2019). این گفتمان امنیتی شامل سیاست‌هایی مانند افزایش کنترل‌های مرزی، تقویت نظارت اطلاعاتی، و توجه بیشتر به رفتارهای جوامع مسلمان در اروپا بود.

پرتغال، به‌عنوان یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا، نمی‌تواند از این سیاست‌ها و گفتمان‌های مشترک جدا باشد. اگرچه پرتغال خود تجربه مستقیم یا گسترده‌ای از حملات تروریستی نداشته است، اما این گفتمان‌ها باعث شد سیاست‌گذاری‌های امنیتی آن نیز تحت تأثیر روندهای اتحادیه اروپا شکل بگیرد (McGarrigle, 2019). پرتغال به دلیل عضویتش در اتحادیه اروپا به ناچار بخشی از رویکرد کلی این اتحادیه نسبت به مسلمانان و امنیتی‌سازی آنها را پذیرفته است.

2-2 همبستگی با کشورهای اروپایی: پرتغال، اگرچه از کشورهای با سابقه کمتر در اسلام‌هراسی است، اما به دلیل همبستگی سیاسی و امنیتی با دیگر کشورهای اروپایی، به‌ویژه در حوزه اطلاعاتی و مرزی، بخشی از گفتمان امنیتی مشترک علیه مسلمانان را پذیرفته است (Pires, 2003)، همبستگی به معنای پایبندی یک کشور به ارزش‌ها و سیاست‌های مشترک میان کشورهای همپیمان است، پرتغال با وجود اینکه سابقه چندانی در اسلام‌هراسی یا مواجهه با تهدیدهای امنیتی ناشی از افراط‌گرایی ندارد، به دلیل اتحادیه‌های سیاسی و امنیتی با دیگر کشورهای اروپایی، تحت تأثیر گفتمان‌های امنیتی مشترک قرار گرفته است.

چرا پرتغال این گفتمان‌ها را پذیرفته است؟ کشورهای عضو اتحادیه اروپا، به‌ویژه در حوزه‌های اطلاعاتی، مرزی، و مبارزه با تروریسم، با یکدیگر همکاری نزدیکی دارند، این همکاری‌ها باعث شده پرتغال نیز ناخواسته یا به دلیل تعهدات سیاسی و امنیتی خود، بخشی از گفتمان ضدتروریستی و امنیتی

اتحادیه اروپا را بپذیرد. به عنوان مثال، در کنترل مرزها و سیاست‌های مهاجرتی، پرتغال باید با سایر کشورهای اروپایی هماهنگ باشد. این هماهنگی گاهی منجر به پذیرش سیاست‌هایی می‌شود که ممکن است در شرایط داخلی پرتغال ضرورت نداشته باشد اما در راستای همبستگی با اتحادیه اروپا انجام می‌شود (Pires, 2003).

3-4 عوامل بین‌المللی

1-3 حملات تروریستی و تصویرسازی جهانی از اسلام: تصویر جهانی از مسلمانان که به دنبال حملات تروریستی توسط گروه‌های افراطی شکل گرفته است، تأثیر مستقیمی بر نگرش‌ها و سیاست‌های داخلی پرتغال داشته است. این حملات باعث ایجاد نوعی ترس عمومی نسبت به مسلمانان در سراسر جهان، از جمله پرتغال، شده است (Balzacq, 2011). حملات تروریستی و تصویرسازی جهانی از اسلام، حملات تروریستی توسط گروه‌های افراطی مانند القاعده و داعش تأثیر قابل توجهی بر نحوه نگرش جهانی به اسلام داشته است. این حملات باعث ایجاد یک تصویر منفی و تهدیدآمیز از مسلمانان شده است که به "امنیتی‌سازی" هویت دینی آنان کمک کرده است، در پرتغال، هر چند حملات تروریستی مستقیماً رخ نداده، این تصویر جهانی از اسلام تأثیر خود را در سیاست‌گذاری‌ها و نگرش‌های عمومی گذاشته است. ترس از افراطگرایی باعث شده که مسلمانان حتی در جوامعی که تهدید خاصی از سوی آنان وجود ندارد، به عنوان یک خطر بالقوه تلقی شوند (Balzacq, 2011).

2-3 جنگ‌های خاورمیانه و مهاجرت‌های اجباری: بحران‌های خاورمیانه و جنگ‌های مداوم در این منطقه منجر به افزایش موج مهاجرت پناجویان مسلمان به اروپا شده است. اگرچه پرتغال در مقایسه با کشورهای دیگر اروپایی مقصد اصلی این مهاجرت‌ها نبوده، اما حضور پناجویان مسلمان، به‌ویژه پس از بحران مهاجرت 2015، نگرانی‌های امنیتی را افزایش داده است (Cesari, 2013). بحران‌های خاورمیانه، از جمله جنگ‌های سوریه، عراق، و افغانستان، موج گسترده‌ای از مهاجران مسلمان را به اروپا روانه کرده است، تأثیر بر پرتغال: اگرچه پرتغال به دلیل موقعیت جغرافیایی‌اش مقصد اصلی مهاجران نبوده، اما به دلیل پذیرش بخشی از این مهاجران تحت سیاست‌های اتحادیه اروپا، نگرانی‌هایی درباره مسائل امنیتی و فرهنگی به وجود آمده است. بحران مهاجرت 2015 باعث شد که حضور مسلمانان در پرتغال بیشتر به عنوان مسئله‌ای امنیتی درک شود (Cesari, 2013).

3-3 نفوذ رسانه‌های جهانی: رسانه‌های جهانی که اسلام را با افراطگرایی مرتبط می‌کنند، گفتمان‌های امنیتی را در پرتغال نیز تقویت کرده‌اند. بازنمایی‌های منفی از مسلمانان در رسانه‌های بین‌المللی، سیاست‌گذاران و افکار عمومی پرتغال را به اتخاذ رویکردهای امنیتی‌تر تشویق کرده است (Vidigal, 2018). رسانه‌های بین‌المللی، به‌ویژه رسانه‌هایی که اسلام را به افراطگرایی و تروریسم مرتبط می‌کنند، نقش مهمی در شکل‌دهی افکار عمومی ایفا کرده‌اند، در پرتغال، بازنمایی‌های منفی مسلمانان در رسانه‌های جهانی به گسترش گفتمان‌های امنیتی علیه جوامع مسلمان کمک کرده است. این امر سیاست‌گذاران و افکار عمومی را به سمت تقویت نظارت و اعمال سیاست‌های سخت‌گیرانه‌تر سوق داده است (Vidigal, 2018).

4- 4 نتایج امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان در پرتغال

تبعیض اجتماعی؛ افزایش تبعیض علیه مسلمانان در حوزه‌های کار، آموزش و خدمات اجتماعی، افزایش تنش‌های فرهنگی، امنیتی‌سازی هویت دینی منجر به افزایش بی‌اعتمادی میان جوامع میزبان و مهاجران مسلمان شده است، تضعیف حقوق شهروندی؛ سیاست‌های امنیتی ممکن است به محدودیت‌هایی در حقوق مهاجران و آزادی‌های دینی منجر شود. امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان در پرتغال، تحت تأثیر عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، نه تنها به چالش‌های اجتماعی و فرهنگی منجر شده است بلکه به عنوان تهدیدی برای انسجام و عدالت اجتماعی در این کشور مطرح است. تحلیل این عوامل می‌تواند به درک عمیق‌تر از فرایند امنیتی‌سازی و یافتن راهکارهایی برای مقابله با پیامدهای آن کمک کند.

5- پیامدهای امنیتی‌سازی هویت دینی

امنیتی‌سازی هویت دینی، به‌ویژه در مورد جوامع مسلمان، تأثیرات گسترده‌ای بر جنبه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی جوامع میزبان و مهاجر می‌گذارد، این فرایند که هویت دینی را از یک امر فرهنگی و اجتماعی به یک تهدید امنیتی تبدیل می‌کند، پیامدهای متعددی دارد که در زیر به‌صورت علمی مورد بحث قرار می‌گیرد.

1-5 پیامدهای اجتماعی

1-1 افزایش تبعیض و بیگانگی اجتماعی، امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان اغلب منجر به افزایش تبعیض علیه این افراد در زمینه‌های مختلف مانند اشتغال، مسکن، آموزش و خدمات عمومی می‌شود، این تبعیض نه تنها باعث احساس بیگانگی در میان مسلمانان می‌شود، بلکه شکاف میان جامعه میزبان و جوامع مهاجر را عمیق‌تر می‌کند (Cesari, 2013). فرایند امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان باعث می‌شود که جوامع میزبان نگرش‌های منفی نسبت به این گروه توسعه دهند و این نگرش‌ها در سیاست‌ها و اقدامات عملی تأثیر بگذارند، به عنوان مثال، در بازار کار، مسلمانان با موانعی مانند تبعیض در استخدام یا عدم ارتقا مواجه می‌شوند، زیرا کارفرمایان ممکن است از استخدام افراد با ظاهر یا نام‌های اسلامی اجتناب کنند. در مسکن نیز، مسلمانان ممکن است به دلیل نام خانوادگی یا ظاهر مذهبی، از اجاره یا خرید خانه در مناطق خاص منع شوند. در آموزش، این تبعیض می‌تواند از طریق محدود کردن دسترسی کودکان مسلمان به مدارس خوب، رفتار نابرابر معلمان، یا حتی ممنوعیت نمادهای دینی مانند حجاب تأثیرگذار باشد. در بخش خدمات عمومی، برخورد‌های نابرابر می‌تواند شامل دسترسی محدود به امکانات عمومی یا رفتار تبعیض‌آمیز کارمندان دولتی باشد، این تبعیض‌ها نه تنها احساس بیگانگی در میان مسلمانان را تقویت می‌کند، بلکه بر روابط میان‌فرهنگی نیز تأثیر منفی دارد. شکاف اجتماعی ایجاد شده از طریق این فرایندها، به انزوای اجتماعی مسلمانان و تضعیف همبستگی جامعه منجر می‌شود.

1-2 تقویت کلیشه‌های منفی، این فرایند به بازتولید کلیشه‌هایی منجر می‌شود که مسلمانان را به عنوان تهدیدی علیه نظم اجتماعی، ارزش‌های سکولار، یا امنیت ملی معرفی می‌کند. این کلیشه‌ها از طریق رسانه‌ها و گفتمان‌های سیاسی تقویت می‌شوند و می‌توانند به رشد اسلام‌هراسی در جامعه دامن بزنند (Vidigal, 2018). امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان، معمولاً از طریق گفتمان‌های سیاسی و رسانه‌ای، کلیشه‌های منفی درباره مسلمانان را تقویت می‌کند. به عنوان مثال، مسلمانان اغلب در رسانه‌ها به عنوان افرادی با گرایش‌های افراطی، تروریستی، یا مخالف ارزش‌های سکولار تصویر می‌شوند. این کلیشه‌ها به‌ویژه پس از رویدادهایی مانند حملات تروریستی یا بحران‌های مهاجرتی افزایش می‌یابند، رسانه‌های جمعی، با انتشار اخبار و تحلیل‌های سوگیرانه، مسلمانان را به عنوان تهدیدی علیه نظم اجتماعی معرفی می‌کنند. در گفتمان‌های سیاسی، احزاب پوپولیستی و راست‌گرا با برجسته کردن این کلیشه‌ها، به جلب حمایت عمومی می‌پردازند، پیامدهای این کلیشه‌ها شامل افزایش اسلام‌هراسی در جامعه است که به اشکال مختلفی مانند حملات فیزیکی به مسلمانان، توهین‌های کلامی، یا تخریب اماکن مذهبی مسلمانان تجلی می‌یابد. این فرایند نه تنها روابط میان‌فرهنگی را تضعیف می‌کند، بلکه می‌تواند به احساس ترس و بی‌اعتمادی در هر دو سوی جامعه دامن بزند.

2-5 پیامدهای سیاسی

1-2 محدودیت حقوق و آزادی‌های دینی، یکی از پیامدهای سیاسی امنیتی‌سازی، تصویب قوانینی است که حقوق و آزادی‌های دینی مسلمانان را محدود می‌کند. برای مثال، قوانینی که استفاده از حجاب اسلامی یا احداث مساجد را محدود می‌کنند، نمونه‌ای از این روند هستند (Cesari, 2013). امنیتی‌سازی هویت دینی باعث می‌شود دولت‌ها و نهادهای حکومتی به‌پهانه حفظ امنیت ملی، قوانینی را تصویب کنند که حقوق و آزادی‌های دینی مسلمانان را محدود می‌کند. این محدودیت‌ها معمولاً شامل موارد زیر هستند.

2-2 افزایش گفتمان‌های پوپولیستی، احزاب و گروه‌های سیاسی راست‌گرا اغلب از امنیتی‌سازی هویت دینی برای تقویت گفتمان‌های پوپولیستی و جذب آرای عمومی استفاده می‌کنند. این امر می‌تواند به سیاست‌گذاری‌های افراطی‌تر و تضعیف همگرایی سیاسی منجر شود (Balzacq, 2011). محدودیت در

استفاده از نمادهای مذهبی، مانند ممنوعیت استفاده از حجاب در مدارس یا محل‌های کار. برای مثال، در فرانسه، قانون ممنوعیت نمادهای مذهبی در مدارس دولتی (2004) تأثیر مستقیمی بر مسلمانان داشت. محدودیت در ساخت یا فعالیت مساجد، در برخی کشورهای اروپایی، محدودیت‌هایی بر ساخت مساجد یا استفاده از بلندگو برای اذان اعمال شده است. این اقدامات معمولاً به‌بانه نگرانی‌های امنیتی یا فرهنگی توجیه می‌شوند.

2-3 رشد افراطگرایی در دو سوی جامعه، امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان می‌تواند به رشد افراطگرایی در میان جوامع مسلمان و میزبان منجر شود. احساس بی‌عدالتی و تبعیض ممکن است برخی از مسلمانان را به سوی افراطگرایی سوق دهد، در حالی که گروه‌های راست‌گرای افراطی نیز با توسل به این گفتمان‌ها بر طرد مهاجران تأکید می‌کنند (Vidigal, 2018). کنترل شدید فعالیت‌های مذهبی‌بخش، کشورها فعالیت‌های مذهبی مسلمانان را تحت نظارت شدید قرار می‌دهند، از جمله بررسی خطبه‌های نماز جمعه یا محدودیت در برگزاری مراسم دینی،

احساس بی‌عدالتی، تبعیض، و طرد شدن از سوی جامعه میزبان، برخی از مسلمانان را به سوی افراطگرایی سوق می‌دهد. این فرایند معمولاً با بهره‌برداری گروه‌های افراطی از این احساسات همراه است که از نارضایتی‌ها برای جذب افراد جدید استفاده می‌کنند، گفتمان‌های ضداسلامی و سیاست‌های تبعیض‌آمیز باعث رشد گروه‌های راست‌گرای افراطی می‌شود. این گروه‌ها از احساسات ناسیونالیستی و اسلام‌هراسی برای جلب حمایت استفاده می‌کنند و اغلب اقدامات خشونت‌آمیز علیه مسلمانان را ترویج می‌دهند.

3-5 پیامدهای اقتصادی

1-3 تضعیف دسترسی به بازار کار، تبعیض و گفتمان‌های امنیتی علیه مسلمانان اغلب فرصت‌های شغلی را برای این گروه کاهش می‌دهد. کارفرمایان ممکن است به دلیل نگرانی‌های بی‌اساس از استخدام مسلمانان خودداری کنند، که این امر به افزایش نرخ بیکاری و فقر در میان این گروه منجر می‌شود (Fonseca, 2019). تحقیقات نشان داده‌اند که مسلمانان، به‌ویژه زنان محجبه، در فرایندهای استخدام و ارتقاء شغلی با تبعیض گسترده‌ای مواجه می‌شوند. برخی کارفرمایان به‌دلیل نگرانی‌های مرتبط با واکنش‌های احتمالی مشتریان یا محیط کار از استخدام افراد مسلمان خودداری می‌کنند، این تبعیض‌ها باعث می‌شود مسلمانان به شغل‌های با درآمد پایین‌تر و امنیت شغلی کمتر محدود شوند، که این امر به افزایش نرخ بیکاری و فقر در میان آنها منجر می‌شود، و حتی والدین به دلیل تبعیض نتوانند از لحاظ اقتصادی پیشرفت کنند، تأثیرات منفی آن به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود و چرخه فقر ادامه می‌یابد، مطالعات در برخی کشورهای اروپایی نشان داده‌اند که حتی مسلمانانی که مدارک تحصیلی مشابهی با هم‌تایان غیرمسلمان خود دارند، به‌دلیل تبعیض و نگرش‌های منفی، درآمدهای کمتری دریافت می‌کنند.

2-3 هزینه‌های امنیتی بالا، فرایند امنیتی‌سازی نیازمند افزایش هزینه‌ها برای نظارت، اطلاعات، و سیاست‌های امنیتی است. این هزینه‌ها می‌توانند منابع مالی دولت را تحت فشار قرار دهند و بودجه مورد نیاز برای توسعه اجتماعی را کاهش دهند (Balzacq, 2011). دولت‌ها برای پایش فعالیت‌های جوامع مسلمان، تقویت نیروهای امنیتی، و استفاده از فناوری‌های پیشرفته نظارتی هزینه‌های زیادی متحمل می‌شوند، تخدام نیروهای جدید، برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه، و تجهیز نیروهای پلیس برای مقابله با تهدیدات احتمالی، فشار مالی مضاعفی بر بودجه عمومی وارد می‌کند، تهیه و اجرای قوانین محدودکننده، برگزاری جلسات دولتی و پارلمانی، و تبلیغات مرتبط با امنیتی‌سازی نیز هزینه‌های مالی و زمانی قابل‌توجهی به دنبال دارد، به دلیل افزایش هزینه‌های امنیتی، بودجه‌هایی که می‌توانستند در زمینه‌هایی نظیر آموزش، بهداشت، و توسعه اجتماعی هزینه شوند، کاهش می‌یابند. این امر ممکن است به کاهش کیفیت زندگی در جامعه میزبان و ایجاد نارضایتی اجتماعی منجر شود.

3-4 پیامدهای فرهنگی

4-1 تضعیف هویت چندفرهنگی، امنیتی‌سازی هویت دینی می‌تواند به تضعیف ارزش‌های چندفرهنگی و تنوع‌پذیری در جوامع منجر شود، در این فرایند، هویت فرهنگی مسلمانان به‌عنوان تهدیدی برای هویت ملی تلقی شده و تلاش‌ها برای ادغام آنها کاهش می‌یابد (Cesari, 2013). امنیتی‌سازی هویت دینی، به تضعیف ایده‌های بنیادین چندفرهنگی از جمله پذیرش تفاوت‌ها و احترام به تنوع منجر می‌شود. در این فرایند، فرهنگ‌های اقلیت به‌عنوان تهدید تلقی شده و این تصور ایجاد می‌شود که آنها با ارزش‌های غالب جامعه ناسازگارند، با امنیتی‌سازی هویت مسلمانان، جوامع میزبان به سمت گفتمان‌های ملی‌گرایانه و انحصارطلبانه حرکت می‌کنند، جایی که هویت ملی و فرهنگی تنها برای اکثریت قابل‌قبول تعریف می‌شود. این گفتمان‌ها به کاهش تلاش‌ها برای ادغام و تعامل میان فرهنگ‌ها منجر می‌شوند، مسلمانان به دلیل انگ‌زدایی و کلیشه‌سازی‌های منفی، اغلب در تعاملات فرهنگی و اجتماعی به حاشیه رانده می‌شوند. این موضوع باعث می‌شود تا آنها در عرصه‌های فرهنگی مانند هنر، رسانه، و سیاست‌گذاری فرهنگی کمتر دیده شوند.

2-4 تقلیل اسلام به افراطگرایی، امنیتی‌سازی باعث می‌شود اسلام به‌عنوان دینی افراطی و خشن در ذهنیت عمومی شناخته شود. این تصویر نادرست به کاهش شناخت صحیح از دین اسلام و فرهنگ مسلمانان منجر می‌شود (Silva, 2014). رسانه‌ها اغلب حوادث مرتبط با افراطگرایی را به‌گونه‌ای پوشش می‌دهند که اسلام به‌عنوان منبع اصلی خشونت معرفی شود. این نوع پوشش، شناخت جامعه از دین اسلام را محدود کرده و باعث می‌شود اکثریت مردم مسلمانان را با تروریسم و افراطگرایی مرتبط بدانند، برخی سیاستمداران، به‌ویژه در احزاب راست‌گرا، با بهره‌گیری از گفتمان‌های امنیتی و تقویت ارتباط اسلام با افراطگرایی، از احساسات عمومی برای جلب حمایت استفاده می‌کنند، با افزایش ترس و بی‌اعتمادی نسبت به مسلمانان، فرصت‌های تعاملات میان‌فرهنگی و گفت‌وگو کاهش می‌یابد. این کاهش تعاملات به نوبه خود سبب می‌شود تا جامعه میزبان با اسلام به‌عنوان یک دین صلح‌جو و معنوی آشنا نشود، در بسیاری از جوامع، اسلام در نظام‌های آموزشی به‌صورت ناقص یا از طریق لنزهای امنیتی تدریس می‌شود. این امر منجر به کاهش درک صحیح دانش‌آموزان از اسلام و افزایش تعصبات فرهنگی می‌گردد.

3-5 پیامدهای روان‌شناختی برای مسلمانان

1-5 احساس طردشدگی، امنیتی‌سازی هویت دینی باعث ایجاد احساس طردشدگی و محرومیت در میان مسلمانان می‌شود، این احساس می‌تواند بر سلامت روانی و اجتماعی آنها تأثیر منفی بگذارد (Vidigal, 2018). تجربه مداوم تبعیض، بی‌عدالتی، و نظارت امنیتی می‌تواند منجر به اضطراب، افسردگی، و سایر مشکلات روانی شود. تحقیقات نشان داده است که احساس عدم تعلق و طردشدگی اجتماعی می‌تواند به ایجاد اختلالات روان‌شناختی منجر شود، مسلمانانی که احساس می‌کنند مورد پذیرش جامعه میزبان نیستند، ممکن است به انزوا روی آورده و تعاملات خود را با جامعه محدود کنند. این انزوا به کاهش فرصت‌های تعامل و همزیستی مسالمت‌آمیز منجر می‌شود، طردشدگی روانی ممکن است در میان نسل‌های مختلف مسلمانان متفاوت باشد. نسل جوان که در جوامع میزبان متولد یا بزرگ شده‌اند، ممکن است بیشتر دچار بحران تعلق شوند، زیرا هویت خود را در تضاد میان فرهنگ والدین و جامعه میزبان می‌یابند.

2-5 رشد بحران هویتی، جوامع مسلمان، به‌ویژه جوانان، ممکن است دچار بحران هویتی شوند؛ زیرا هویت دینی و فرهنگی آنها به‌طور مداوم مورد حمله و تهدید قرار می‌گیرد. این امر می‌تواند به کاهش اعتماد به نفس و احساس تعلق آنها به جامعه میزبان منجر شود (Cesari, 2013). امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان پیامدهای متعددی در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، و روان‌شناختی دارد. این فرایند نه تنها جامعه مسلمانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه به چالش‌های گسترده‌ای برای جوامع میزبان منجر می‌شود. درک این پیامدها و یافتن راهکارهای مناسب برای کاهش اثرات منفی آنها از اهمیت بالایی برخوردار است. جوانان مسلمان در مواجهه با تصویری که جامعه از آنها ارائه می‌دهد، اغلب درک روشنی از هویت خود ندارند. از یکسو با هویت دینی و فرهنگی خانوادگی روبه‌رو هستند و از سوی دیگر با فشارهای جامعه میزبان برای انطباق با ارزش‌های سکولار یا ملی. این دوگانگی می‌تواند منجر به احساس سردرگمی و کاهش اعتماد به نفس شود، وقتی هویت دینی یا فرهنگی به‌طور مداوم به‌عنوان تهدید مطرح می‌شود، افراد ممکن است احساس کنند که ارزش و جایگاهی در جامعه ندارند. این احساس می‌تواند به تضعیف انگیزه‌ها برای مشارکت اجتماعی منجر شود، در برخی موارد، بحران هویتی و احساس عدم پذیرش ممکن است برخی از جوانان را به سمت گروه‌های افراطگرایی سوق دهد. این واکنش به‌عنوان پاسخی به احساس

بی‌عدالتی و بیگانگی تعبیر می‌شود، احساس طردشدگی و بحران هویتی می‌تواند مانع از مشارکت فعال مسلمانان در حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی شود. این امر نه تنها به ضرر جوامع مسلمان است، بلکه جوامع میزبان را نیز از مشارکت این گروه در رشد و توسعه اجتماعی محروم می‌کند، وقتی مسلمانان با امنیتی‌سازی مداوم هویت خود مواجه می‌شوند، اعتماد آنها به نهادهای دولتی، قضایی، و رسانه‌ها کاهش می‌یابد. این بی‌اعتمادی می‌تواند شکاف‌های عمیقی در جامعه ایجاد کند.

6- مطالعات موردی در پرتغال

در پرتغال، امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان از طریق گفت‌وگوهای سیاسی، رسانه‌ها، و سیاست‌های دولتی شکل گرفته است. این بخش با تکیه بر مطالعات موردی، به تحلیل سیاست‌ها، سخنان، و بازتابی رسانه‌ای مسلمانان و تأثیرات آن بر جامعه مسلمانان پرتغال می‌پردازد.

6-1 سیاست‌ها و اقدامات امنیتی‌سازی در پرتغال

1-1 پیشگیری از افراطگرایی و تروریسم، دولت پرتغال در راستای همکاری با اتحادیه اروپا، سیاست‌هایی در زمینه پیشگیری از افراطگرایی و مقابله با تروریسم تصویب کرده است، این سیاست‌ها، به‌ویژه پس از حملات تروریستی در اروپا، بر جوامع مسلمان متمرکز شده‌اند، هرچند این اقدامات از منظر امنیت ملی قابل توجیه هستند، اما اغلب به تقویت نگاه امنیتی به مسلمانان منجر شده‌اند (Vidigal, 2018). سیاست‌هایی که بدون تفکیک مناسب میان اقلیت‌های مذهبی اعمال می‌شوند، مسلمانان را به‌طور جمعی به‌عنوان تهدید امنیتی بازتاب می‌کنند، تمرکز این سیاست‌ها بر جوامع مسلمان باعث ایجاد سوءظن در میان دیگر گروه‌های جامعه شده و تعاملات میان‌فرهنگی را مختل می‌کند، این سیاست‌ها منجر به ایجاد حس نظارت و کنترل دائمی در میان جوامع مسلمان شده است.

2-1 قوانین مرتبط با مهاجرت و اقامت، تغییرات در قوانین مهاجرتی و محدودیت‌های مربوط به صدور مجوز اقامت، به‌ویژه برای جوامع مسلمان از کشورهای شمال آفریقا، نمونه‌ای از امنیتی‌سازی سیاست‌های مهاجرتی است، این قوانین گاه به انگیزه کنترل ورود افراد با "پیشینه‌های فرهنگی خاص" توجیه شده‌اند که هویت دینی را به‌عنوان یک عامل خطر مطرح می‌کنند (Fonseca, 2019). قوانین و گفت‌وگوهای که پیشینه فرهنگی یا دینی خاص را به‌عنوان خطر معرفی می‌کنند، تأثیر منفی بر تصور عمومی از مسلمانان داشته‌اند، این محدودیت‌ها نه تنها مهاجرت قانونی را دشوارتر می‌کنند، بلکه فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی برای ادغام مهاجران مسلمان را نیز محدود کرده‌اند.

2-6 بازتابی مسلمانان در رسانه‌های پرتغالی

1-2 تصویرسازی از مسلمانان به‌عنوان "دیگری"، رسانه‌های پرتغالی اغلب مسلمانان را به‌عنوان "دیگری" بازتاب می‌کنند که در تضاد با ارزش‌های سکولار و فرهنگی جامعه پرتغال قرار دارند، استفاده از زبان‌هایی نظیر "تهدید فرهنگی" یا "خطر افراطگرایی" در گزارش‌های خبری، به تقویت نگاه امنیتی به مسلمانان دامن زده است (Silva, 2014). استفاده از عباراتی مانند "تهدید فرهنگی" یا "خطر افراطگرایی" باعث تقویت دوگانگی میان مسلمانان و جامعه میزبان شده است، مسلمانان اغلب به‌عنوان تهدیدی برای ارزش‌های سکولار و نظم عمومی جامعه پرتغال بازتاب می‌دهند، که این امر پذیرش آن‌ها را دشوارتر می‌کند.

2-2 رابطه میان رسانه و افکار عمومی، تحلیل محتوای رسانه‌های پرتغالی نشان می‌دهد که پوشش رسانه‌ای مسلمانان در دوره‌های بحران، مانند حملات تروریستی یا حوادث مهاجرتی، افزایش یافته است. این پوشش‌ها اغلب با برجسته‌سازی کلیشه‌ها و نگرانی‌های امنیتی همراه بوده و بر ادراک عمومی از مسلمانان تأثیر منفی گذاشته است (Vidigal, 2018). پوشش این اخبار، که معمولاً با برجسته‌سازی کلیشه‌های منفی همراه است، به گسترش نگرش‌های منفی و افزایش اسلام‌هراسی در میان جامعه منجر شده است، موارد خاص افراطگرایی به‌طور ناعادلانه به کل جوامع مسلمان نسبت داده می‌شوند.

3-2 نقش رسانه‌ها در شکل‌گیری اسلام‌هراسی، رسانه‌ها با بازتولید تصاویر منفی از مسلمانان، اسلام‌هراسی را در جامعه پرتغال تقویت کرده‌اند. برای مثال، تصاویر زنان مسلمان با حجاب یا گزارش‌های متمرکز بر افراطگرایان، بدون ارائه‌نمایی متعادل از زندگی عادی مسلمانان، به این روند کمک کرده است (Cesari, 2013). تصاویری از زنان مسلمان با حجاب، بدون ارائه توضیحات درباره تنوع فرهنگی و اجتماعی این گروه، کلیشه‌هایی از اسلام به‌عنوان یک دین افراطی ایجاد کرده‌اند، این تصاویر نه تنها مسلمانان را تحت تأثیر قرار می‌دهند، بلکه اعتماد متقابل بین مسلمانان و جامعه میزبان را نیز کاهش می‌دهند، (Silva, 2014).

3-6 داده‌های تجربی و تحلیل میدانی

3-1 مصاحبه با جامعه مسلمانان پرتغال، مطالعات میدانی در پرتغال نشان می‌دهد که مسلمانان این کشور احساس می‌کنند که به‌دلیل هویت دینی خود، مورد سوءظن و تبعیض قرار می‌گیرند. در مصاحبه‌ها، بسیاری از مسلمانان به چالش‌هایی مانند عدم دسترسی به فرصت‌های شغلی، تبعیض در مدارس، و نگرش‌های منفی عمومی اشاره کرده‌اند (Silva, 2014).

3-2 آمار و تحلیل تجربی، آمارهای منتشر شده توسط نهادهای پژوهشی در پرتغال نشان می‌دهند که مسلمانان به‌عنوان یکی از گروه‌هایی که بیشترین تجربه تبعیض را دارند، معرفی شده‌اند. این تبعیض‌ها عمدتاً در زمینه‌های اشتغال و تعاملات اجتماعی رخ داده‌اند (Fonseca, 2019).

3-3 نقش نهادهای مدنی و مذهبی، نهادهای اسلامی در پرتغال، تلاش‌هایی برای بهبود تصویر عمومی از مسلمانان انجام داده‌اند، اما این تلاش‌ها اغلب با موانعی مانند کمبود منابع یا بی‌توجهی رسانه‌ها روبرو بوده است. این نهادها نقش مهمی در تقویت همزیستی مسالمت‌آمیز ایفا کرده‌اند (Vidigal, 2018). مطالعات موردی در پرتغال نشان می‌دهد که سیاست‌ها، رسانه‌ها، و گفت‌وگوهای عمومی، همگی در فرایند امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان نقش دارند. این اقدامات و بازتابی‌ها باعث تقویت اسلام‌هراسی، افزایش تبعیض، و کاهش تعاملات مثبت فرهنگی شده‌اند. بررسی دقیق این موارد می‌تواند به سیاست‌گذاری‌هایی منجر شود که به تقویت همزیستی مسالمت‌آمیز در جامعه کمک کند.

7- راهکارها برای مقابله با امنیتی‌سازی

امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان به عنوان یک چالش جدی در جوامع مختلف جهان، به‌ویژه در کشورهای غربی، موجب ایجاد پیامدهای منفی گسترده‌ای در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شده است، این فرایند منجر به افزایش تبعیض، ایجاد فاصله میان جوامع مختلف، و تقویت نگرش‌های منفی در جامعه نسبت به مسلمانان می‌شود. برای مقابله با این روند، لازم است از راهکارهای علمی و عملی مختلفی استفاده شود که نه تنها امنیت هویت دینی مسلمانان را حفظ کند، بلکه به ایجاد همزیستی مسالمت‌آمیز و کاهش تهدیدات اجتماعی و سیاسی منجر شود. در ادامه، برخی از راهکارهای کلیدی برای مقابله با امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان بررسی می‌شود.

7-1 تقویت و گسترش قوانین ضد تبعیض

الف- تدوین و اجرای قوانین جامع ضد تبعیض: یکی از مهم‌ترین گام‌ها در مقابله با امنیتی‌سازی هویت دینی، تدوین و اجرای قوانین ضد تبعیض است. این قوانین باید از حقوق دینی مسلمانان، به ویژه حقوق مربوط به پوشش، عبادات، و استفاده از اماکن مذهبی، به‌طور واضح و شفاف حمایت کنند. قوانین ضد تبعیض باید به‌طور خاص به مسائل مرتبط با تبعیض دینی در مکان‌های عمومی، محیط‌های کاری، و نهادهای آموزشی توجه داشته باشند.

ب- نظارت و اجرا: مهم‌ترین بخش این راهکار، نظارت بر اجرای مؤثر قوانین ضد تبعیض است. بسیاری از جوامع در برابر تبعیض قانونی مقاوم هستند و با سوءاستفاده از خلأهای قانونی، به‌طور غیررسمی به تبعیض علیه مسلمانان ادامه می‌دهند. بنابراین، نظارت مؤثر و تأسیس نهادهای مستقل نظارتی

می‌تواند به اصلاح این روند کمک کند، نمونه پژوهشی، در کشورهای اسکندینیوی، به ویژه سوئد و نروژ، با تدوین و اجرای قوانین ضدتبعیض و نظارت بر اجرای آن، کاهش تبعیض‌های دینی مشاهده شده است (Cesari, 2013).

2-7 اصلاح بازنمایی رسانه‌های مسلمانان

الف- آموزش روزنامه‌نگاران و تولید محتوای متعادل: رسانه‌ها نقشی حیاتی در شکل‌دهی به افکار عمومی دارند. برای مقابله با امنیتی‌سازی، یکی از اقدامات مؤثر، آموزش روزنامه‌نگاران و تولید محتوای خبری متعادل است. رسانه‌ها باید به جای بازنمایی مسلمانان به‌عنوان تهدید یا "دیگری"، به ارائه تصاویر مثبت و دقیق از مسلمانان و مشارکت‌های آن‌ها در جوامع بپردازند. این محتوای مثبت می‌تواند باعث کاهش نگرش‌های منفی و تحریف‌های رسانه‌ای شود.

ب- مشارکت مسلمانان در رسانه‌ها: مسلمانان باید فرصتی برای حضور فعال در رسانه‌ها داشته باشند تا دیدگاه‌ها و تجربیات خود را به‌طور مستقیم به اشتراک بگذارند. این امر می‌تواند به شفاف‌سازی و تصحیح بسیاری از سوءبرداشت‌های موجود درباره اسلام و مسلمانان کمک کند، نمونه پژوهشی، پژوهش‌های انجام شده در کشورهای غربی نشان می‌دهند که رسانه‌هایی که از نمایندگان مسلمانان برای گزارش‌دهی استفاده می‌کنند، توانسته‌اند از شدت اسلام‌هراسی بکاهند (Vidigal, 2018).

3-7 تقویت گفت‌وگوهای بین‌فرهنگی و دینی

الف- آموزش‌های بین‌فرهنگی در مدارس و دانشگاه‌ها: مدارس و دانشگاه‌ها باید به برنامه‌های آموزشی برای ارتقاء آگاهی‌های فرهنگی و دینی توجه داشته باشند. این برنامه‌ها باید بر اصول همزیستی مسالمت‌آمیز، احترام به تنوع دینی، و آشنایی با تاریخ و فرهنگ مسلمانان تمرکز کنند. آموزش به نسل‌های جدید از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا آنها می‌توانند بر آینده جامعه تأثیرگذار باشند.

ب- برنامه‌های گفت‌وگوی بین‌دینی: برگزاری نشست‌های بین‌دینی و فرهنگی که مسلمانان و غیرمسلمانان را گرد هم می‌آورد، می‌تواند به شناخت متقابل و کاهش سوءتفاهمات منجر شود. این برنامه‌ها می‌توانند در سطح محلی، ملی، یا بین‌المللی برگزار شوند و هدف آن‌ها تقویت همزیستی مسالمت‌آمیز و ایجاد فضای مشترک برای تعاملات سازنده است، نمونه پژوهشی، در آلمان، برنامه‌های گفت‌وگوهای بین‌دینی و فرهنگی به ویژه در مقاطع تحصیلی ابتدایی و متوسطه موفقیت‌هایی در تقویت تعاملات مثبت مسلمانان و غیرمسلمانان داشته است (Fonseca, 2019).

4-7 اصلاح سیاست‌های امنیتی و مقابله با اقدامات امنیتی‌سازی

الف- رویکردهای مبتنی بر شواهد و شفافیت در سیاست‌گذاری: سیاست‌های امنیتی که بر اساس هویت دینی مسلمانان متمرکز می‌شوند باید از سیاست‌های مبتنی بر شواهد، شفافیت و مسئولیت‌پذیری پیروی کنند. سیاست‌گذاران باید از خطرات برچسب‌زنی جمعی و تمرکز بیش از حد بر هویت دینی جلوگیری کنند و به‌جای آن بر روی رفتارهای مشکوک و تهدیدات مشخص تمرکز کنند.

ب- مشارکت جوامع مسلمان در سیاست‌گذاری امنیتی: یکی از راهکارهای مؤثر برای مقابله با امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان، مشارکت جوامع مسلمان در فرآیند سیاست‌گذاری امنیتی است. این مشارکت نه تنها به کاهش احساس بی‌اعتمادی در میان مسلمانان کمک می‌کند، بلکه موجب تقویت همکاری‌های امنیتی و اجتماعی خواهد شد، نمونه پژوهشی، در بریتانیا، برنامه‌های مشارکت مسلمانان در سیاست‌گذاری امنیتی منجر به افزایش اعتماد میان جوامع مسلمان و نهادهای امنیتی و کاهش تبعیض‌های امنیتی در سطح ملی شده است (Silva, 2014).

5-7 تقویت نقش نهادهای مدنی و مذهبی

الف- حمایت از نهادهای اسلامی و مدنی: نهادهای اسلامی و مدنی باید در راستای بهبود تصویر عمومی مسلمانان و مقابله با برچسب‌زنی‌ها تقویت شوند. این نهادها می‌توانند برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و اجتماعی برگزار کرده و به ایجاد فضایی مثبت برای مسلمانان کمک کنند.

ب- فعالیتهای حمایتی و اجتماعی: نهادهای اسلامی می‌توانند شبکه‌های حمایتی ایجاد کنند که به مسلمانان در مواجهه با تبعیض‌ها و چالش‌های اجتماعی کمک کند. این شبکه‌ها باید به مسلمانان فرصت دهند تا صدای خود را در سطح محلی و ملی مطرح کنند و در برابر ظلم و تبعیض‌های امنیتی مقاومت کنند، نمونه پژوهشی، در فرانسه، نهادهای مدنی اسلامی به‌شکل مؤثری از مسلمانان در برابر تبعیض‌های امنیتی حمایت کرده‌اند و در بسیاری از مواقع توانسته‌اند تغییرات قانونی و اجتماعی مثبتی ایجاد کنند (Balzacq, 2011). برای مقابله با امنیتی‌سازی هویت دینی مسلمانان، نیازمند رویکردی جامع و چندجانبه هستیم که از سیاست‌گذاری‌های قانونی، اصلاح رسانه‌ها، تقویت گفت‌وگوهای بین‌فرهنگی، و مشارکت فعال جوامع مسلمان در سیاست‌های امنیتی و اجتماعی بهره‌برداری کند. این اقدامات نه تنها به کاهش تبعیض و اسلام‌هراسی کمک خواهد کرد، بلکه فضای همزیستی مسالمت‌آمیز را در جوامع مختلف تقویت خواهد نمود.

نتیجه‌گیری

امنیتی‌سازی هویت دینی مهاجران مسلمان در پرتغال را می‌توان در چارچوب نظریه‌های امنیتی و هویتی تحلیل کرد که تأثیرات آن بر ساختار اجتماعی، سیاست داخلی و تعاملات بین‌المللی این کشور قابل تأمل است، در پرتغال برخلاف برخی کشورهای اروپایی، تأکید بر همزیستی و تکرر فرهنگی بیشتر بوده است، اما نگرانی‌های ناشی از تهدیدهای امنیتی جهانی، به ویژه در حوزه تروریسم و افراطگرایی، باعث شده است که برخی نهادهای سیاسی و رسانه‌ای به بازنمایی هویت مسلمانان در قالب تهدیدات بالقوه بپردازند.

این روند، در کوتاه‌مدت، منجر به تقویت گفتمان‌های بیگانه‌هراسی و افزایش شکاف‌های اجتماعی شده است، در عین حال، تأثیرات بلندمدت آن می‌تواند بر سیاست‌های مهاجرتی، همگرایی اجتماعی و جایگاه مهاجران در ساختار اجتماعی-اقتصادی پرتغال تأثیر منفی بگذارد. امنیتی‌سازی هویت دینی همچنین باعث می‌شود که مسلمانان مهاجر در چارچوب‌های محدودکننده هویتی تعریف شوند که نه تنها حقوق شهروندی و آزادی‌های مذهبی آن‌ها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، بلکه بر فرایندهای ادغام اجتماعی نیز اثرات بازدارنده‌ای دارد.

برای مواجهه با این پدیده، اتخاذ رویکردهایی مبتنی بر گفتگو، همگرایی فرهنگی و تقویت آموزش عمومی در مورد تنوع‌های مذهبی ضروری است، همچنین ایجاد سیاست‌هایی که بر پایه عدالت اجتماعی و احترام به هویت‌های دینی طراحی شده‌اند، می‌تواند به کاهش تنش‌ها و جلوگیری از امنیتی‌سازی هویت دینی کمک کند. تنها از طریق این اقدامات است که می‌توان به سوی ساختار اجتماعی‌ای گام برداشت که در آن هویت‌های متکثر به‌عنوان سرمایه‌های اجتماعی و نه تهدید، تلقی شوند.

منابع

- احمدی، حمید، هویت و سیاست: بررسی رابطه هویت‌های قومی و سیاست در خاورمیانه، (1391)، هران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
افشاری، حسین، چالش‌های هویتی مهاجران مسلمان در جوامع غربی، (1398)، پژوهشنامه جامعه‌شناسی معاصر، شماره 12
حاجی‌زاده، فاطمه، هویت‌سازی در مهاجران مسلمان اروپا: چالش‌ها و فرصت‌ها، (1396)، مجله پژوهش‌های فرهنگی، شماره 15
شجاعی، مصطفی، چالش‌های هویت دینی در جهان معاصر، (1391)، فصلنامه مطالعات اسلامی و علوم انسانی، شماره 7
شریعتی، علی، بازگشت به خویشتن، (1356)، تهران: حسینیه ارشاد
طالبی، احمد، اسلام‌هراسی در اروپا و تأثیر آن بر سیاست‌های مهاجرتی، (1395)، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره 10
عباسی، محمدرضا، بررسی تأثیر سیاست‌های مهاجرتی در جنوب اروپا بر هویت مهاجران مسلمان، (1398)، صلبانه مطالعات بین‌الملل، شماره 20

علیزاده، حسین و جمشیدی، محمد، امنیتی‌سازی: سازه‌انگاری، هویت و قدرت در نظریه‌های امنیتی، (1395)، فصلنامه سیاست دفاعی، دوره 24، شماره 2
فیروزآبادی، سید جلال دهقانی، امنیتی‌سازی در روابط بین‌الملل، (1393)، تهران: انتشارات قومس
فیروزآبادی، سید جلال دهقانی، نظریه‌های روابط بین‌الملل: رویکرد ها و کاربردها، (1397)، تهران: سمت
کریمی، سید محمد، رسانه‌های غربی و بازتابی هویت دینی مسلمانان، (1393)، فصلنامه رسانه و فرهنگ، شماره 19
ملکی، کامران، مهاجرت و امنیت: رویکردهای سیاست‌گذاری اتحادیه اروپا، (1394)، فصلنامه مطالعات سیاسی-امنیتی، شماره 8
موسوی، مهدی، مهاجران مسلمان در پرتغال: چالش‌های اجتماعی و فرهنگی، (1400)، پژوهشنامه مطالعات مهاجرت، شماره 5
میرمحمدی، داود، نقش هویت دینی در سیاست‌گذاری فرهنگی دولت‌ها، (1392)، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره 9
نقیب‌زاده، احمد، اسلام و غرب: تعاملات سیاسی و فرهنگی، (1392)، تهران: نشر نی

- Buzan, B., Wæver, O., & de Wilde, J. (1998). *Security: A new framework for analysis*. Boulder, CO: Lynne Rienner Publishers.
- Huysmans, J. (2006). *The politics of insecurity: Fear, migration and asylum in the EU*. London, England: Routledge.
- Balzacq, T. (2011). *Securitization theory: How security problems emerge and dissolve*. London, England: Routledge.
- Cesari, J. (2013). *Why the West fears Islam: An exploration of Muslims in liberal democracies*. New York, NY: Palgrave Macmillan.
- Foner, N., & Alba, R. (2008). Immigrant religion in the US and Western Europe: Bridge or barrier to inclusion? *International Migration Review*, 42(2), 360–392.
- Vertovec, S. (2007). Super-diversity and its implications. *Ethnic and Racial Studies*, 30(6), 1024–1054.
- Said, E. W. (1997). *Covering Islam: How the media and the experts determine how we see the rest of the world*. New York, NY: Vintage.
- Carr, J. (2016). *Experiences of Islamophobia: Living with racism in the neoliberal era*. London, England: Routledge.
- Nielsen, J. S. (2012). *Muslims in Western Europe*. Edinburgh, Scotland: Edinburgh University Press.
- Amaro, R., & Esteves, A. (2019). Muslims in Portugal: Communities, practices, and challenges. In R. Springborg (Ed.), *European Islam: Negotiating modernity and tradition* (pp. 200–220). New York, NY: Routledge.
- Triandafyllidou, A. (2015). *Routledge handbook of immigration and refugee studies*. London, England: Routledge.
- Pew Research Center. (2017). *Europe's growing Muslim population*. Pew Research Center Report.